

حمایت به جای نظارت

بهرنگ تنکابنی

می‌کند. ناشران، واسطه‌ای هستند که با کمک به موسیقیدان و با انتشار آثار وی بر روی کاست آثار و دیدگاه‌های یک هنرمند اهل موسیقی را به هنردوست اهل موسیقی مرتبط می‌کنند.

امروزه در کشور ما انتشار و توزیع کاست‌های صوتی موسیقی طی مراحل مختلفی که بعضی از دست‌اندرکاران انتشار نوار، آن را به هفت خوان

از همان لحظه‌ای که یک قطعه موسیقی تصنیف می‌شود، آهنگساز به دنبال مخاطب می‌گردد. پیدا کردن مخاطب در قرون گذشته با اجرای کنسرت انجام می‌پذیرفت. موسیقیدان نیاز به حامی دارد. حامیان یک موسیقیدان مخاطبان‌ش هستند. در قرون وسطی و دوره باروک به طور کلی هنر به خصوص موسیقی در نزد کلیسا محبوبیت داشت. در دوران

از اساتید موسیقی سنتی هستند چگونه می‌توانند در مورد موسیقی راک و جاز و غیره نظر کارشناسی بدهند و مثلاً به کاست‌های کارلوس مانتانا، جوساتریان و اریک کلاپتون اشکال بگیرند. جالب این جاست که هرگاه این صحبت‌ها را با خود آنها مطرح می‌کنیم در جواب موسیقی را به اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور ارجاع می‌دهند. به عقیده من موسیقی به عنوان یک هنر آزاد است و هیچ کس حق ندارد که در مورد هنر ممیزی کند. انتخاب حق مردم است و مردم هستند که باید در مورد کارها نظر بدهند. هیچ موسیقی بد نیست که احتیاج به کارشناسی داشته باشد. هم‌اکنون آثار خیلی از



بهرام پور

رستم تشبیه می‌کنند و با مشکلات فراوان صورت می‌پذیرد. کمبود استودیو، پایین بودن بودجه مالی، کیفیت پایین و قیمت بالای نوار خام و از همه مهمتر ممیزی‌های مختلف مشکلات عدیده انتشار یک کاست هستند. بابک چمن‌آرا، یکی از دست‌اندرکاران انتشار کاست‌های موسیقی در مورد مشکلات انتشار یک کاست موسیقی چنین می‌گوید: «روال کار برای اخذ مجوز انتشار یک اثر این گونه است که بعد از پرکردن درخواست نامه باید مجوز شعرها را از وزارت ارشاد دریافت کنیم و این دورا به همراه ماکت کاست به کارشناسی بفرستیم که در صورت تصویب اجازه ضبط استریویی داده می‌شود. بعد از ضبط نهایی، طرح روی جلد آن طراحی شده کار برای گرفتن مجوز انتشار به ارشاد می‌رود. بیشتر مشکلات معطوف است به بخش کارشناسی ارشاد به دلیل کمبود کارشناس و تخصص کارشناسان که موسیقی سنتی است، به نظر من نسبت به آثار، سلیقه‌ای برخورد می‌شود. کارشناسان ارشاد که اکثراً

کلاسیک و با گسترش دربارها، هنر موسیقی، به دربار راه یافت و از طریق اشراف حمایت می‌شد ولی با آغاز دوران رومانیتیک، موسیقی و هنر آزاد شد و به میان مردم رفت و از آن به بعد بود که موسیقی از محدوده اصول کلاسیک خارج شد و گسترش یافت. سبک‌های مختلف به وجود آمد و هر سبک، موسیقیدان و هوادار خاص خود را داشت. در عصر حاضر و با پیشرفت تکنولوژی، جذب مخاطب برای یک اثر موسیقایی از طریق کنسرت کار بسیار دشواری است. از دید جمعیت و کمبود مکان برای اجرای برنامه زنده اصلی‌ترین موانع برای ایجاد ارتباط مستقیم میان موسیقیدانان با مخاطبان‌شان است. اما انتشار آثار موسیقیدانان بر روی صفحه، کاتریج و امروزه کاست و CD گام بزرگی برای ایجاد ارتباط وسیع با علاقه‌مندان به موسیقی بود. از وقتی که ارتباط موسیقیدان و مخاطب از طریق کاست برقرار شد شخص دیگری در میان قرار گرفت که نقش اساسی را برای ایجاد ارتباط هرچه بهتر آن دو بازی

جوانان موسیقی به دلایل مختلف مانند اشکال در شعر تاکنون موفق به اخذ مجوز نشده است، در حالی که از نظر تکنیک و بیان موسیقایی دارای کیفیت بالایی هستند». سروش ریاضی، مدیر انتشارات ارغنون در مورد ممیزی، نظری کاملاً متفاوت دارد او به ممیزی اعتقاد دارد ولی می‌گوید: «از جهاتی باید ممیزی را بپذیریم چراکه شرایط کنونی جامعه ممیزی را می‌طلبد و کارشناسان باید جامعه‌شناسانه آثار را گزینش کنند. ممیزی در تاریخ موسیقی هم می‌بینیم. هنگامی که شوستاکویچ، سنفونی شماره ۴ خود را تصنیف کرد خیلی از سران مملکتی به وی اشکال گرفتند و او را به ساخت اثری ملایم‌تر سوق دادند که نهایتاً شوستاکویچ سنفونی ۵ را تصنیف کرد. البته متأسفانه در جامعه ما در بعضی موارد ممیزی دیدگاه منفی دارد و تنها ایرادی که به آن وارد است منفی بودن آن است که در چند سال اخیر و با تسهیلات وزارت ارشاد این امر تا حدودی مرتفع شده است.»